



کتابخانه
تخصصی
ادبیات

پژوهشگر ارجمند

برخی از صفحات کتاب حاضر (شناسنامه، فهرست و تعداد کمی از صفحات آغازین کتاب) برای استفاده بهتر و آشنایی بیشتر شما با کتاب بارگذاری شده است.

بدیهی است به دلیل رعایت حقوق مولف و ناشر تمام صفحات کتاب در دسترس نخواهد بود.

آداب و آیین‌های گذر

انسان ایرانی

محمد اسدیان



آداب و آیین های گذر

انسان ایرانی

محمد اسدیان



سرشناسه:	اسدیان خرم آبادی، محمد، ۱۳۲۳-
عنوان و نام پدیدآور:	آداب و آیین های گذر / تالیف محمد اسدیان.
مشخصات نشر:	تهران: نشرهنوز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۴۳۲ ص. ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۷۵-۷-۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه.
یادداشت:	نمایه
موضوع:	ایران -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع:	Social life and customs -- Iran
رده بندی کنگره:	۴۱۳۹۸ آالف / ۶۳-DSR
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۵۵۷۹۳۷۵

آداب و آیین های گذر، انسان ایرانی

نویسنده: محمد اسدیان

ویراستار: فروغ کاظمی

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

طراحی کتاب: استودیوکارگاه - مصطفی بهزادی

صفحه بندی: یاسر عزاباد

ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
نشرهنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ *** info@hanoozpub.com *** www.hanoozbooks.com

نشرہنوز {♦♦♦}



پیشکش به

همسرم - همراهِ همدل و پُرشکیب

فرزندِ انم - گلاره، هوپار، فرزانه

و

مُونای گرامی و البر زمان



۱۲	راهنمای آوانوشت واژگان گویشی
۱۳	پیشگفتار
۱۷	دییاجه
۲۹	بخش نخست
۳۱	۱. بارداری و زایمان:
۳۱	ممنوعیت‌های دوران بارداری
۳۳	زایمان سخت، آسان‌زایی و دیرزایی
۳۷	آسیب‌های دوران بارداری، زایمان و پس از زایمان (زائوو نوزاد)
۴۵	حصار کردن زائوو نوزاد
۵۰	ممنوعیت‌ها و پرهیزهای زائوو دیگران در ارتباط با زائو
۵۱	تطهیر و حمام زایمان زائوو نوزاد
۵۶	نازایی و سقط
۶۵	۲. تولد، نوزادی و کودکی
۶۸	برداشتن سق نوزاد و آدایی دیگر
۷۱	نخستین شیردهی نوزاد
۷۲	مراسم گهواره‌بندان
۷۵	نام‌گذاری نوزاد
۸۹	دفع چشم‌زخم و گزند از نوزاد و ماندگاری او

۸۹	عقیقه
	دعاها، طلسم‌ها، مهره‌ها و سنگ‌ها و رفتارهای
۹۸	جادویی و شبه جادویی در حفظ نوزاد
۱۰۹	چیدن ناخن کودک
۱۰۹	رویییدن دندان کودک
۱۱۱	راه افتادن کودک
۱۱۵	از شیر گرفتن کودک
۱۱۶	ختنه
۱۲۷	آیین سرسپاری کودک (جوز سرشکستن)
۱۳۳	یادداشت‌های بخش نخست
۱۴۹	بخش دوم
۱۵۱	۱. بلوغ و آیین‌های بلوغ
۱۶۱	۲. آداب و مراسم ازدواج و عروسی
	همسرگزینی، خواستگاری، شیربها، مهر،
۱۷۲	بله برون و شیرینی خوران (نامزدی)
۱۹۰	عقدکنان و حنابندان
۲۲۰	جشن عروسی: عروس بزان، زفاف و پاگشا
۲۶۹	یادداشت‌های بخش دوم
۲۸۳	بخش سوم
۲۸۵	مرگ و سوگ
۲۹۷	مراسم سوگ و مرگ در مناطق مختلف ایران
۳۵۷	یادداشت‌های بخش سوم
۳۶۹	کتاب‌نامه
۳۸۵	نمایه

راهنمای آوانوشت وازگان گویشی

آواها:

:a	(آ) فتحه
:ā	(آ)
:i	(ئی کوتاه)
:ī	(ئی کشیده)
:u	(او، مانند ضمیر سوم شخص مفرد)
:ū	(او، مانند ضمیر سوم شخص مفرد بلند)
:e	(کسره)
:ē	(کسره بلند)
:ə	(کسره کمزنگ در زبان گیلکی مانند: «رشت rəšt»)
:O	(أ) ضمه
:Ō	(أ) ضمه بلند
:O ^w	(أؤ) در گویش ها به معنی آب، برای واکه مرکب

حرفها:

b :ب	x :خ	γ :غ	m :م
p :پ	d :د	f :ف	n :ن
t :ت، ط	ḏ :ذ	q :ق	ŋ :نون غنه
s :ث، س، ص	r :ر	k :ک	w :و
z :ج	z :ز، ض، ظ	g :گ	h :ه
č :چ	ž :ژ	l :ل	y :ئ
h :ح	š :ش	v :و	

پیشگفتار

نظر به گستره آداب و آیین‌ها در ایران ما در این دفتر در چارچوب موضوع به آداب، مراسم و آیین‌های گذر مربوط به مهم‌ترین رویدادهای حیات بشری یعنی «زادن و کودکی»، «بلوغ و ازدواج» و «مرگ و سوگ» پرداخته و در تحلیل تطبیقی آن‌ها — با توجه به مناطق مختلف ایران و موارد مشابه در اساطیر و افسانه‌های کشورها و ملل باستانی — کوشیده و نکات مهم بسیاری را مورد بررسی و تدقیق قرار داده‌ایم. بررسی تحلیلی آداب و آیین‌های دیگر در عهده زمانی دیگر و دفتر یا دفترهای دیگر است و ما در این پیشگفتار با ذکر و نگاهی از کنار برخی از آن‌ها می‌گذریم. از جمله این آداب و آیین‌ها، مراسم «رَدْپَساگ»^۱ و خرقة‌دهی و «خرقة‌پوشی صوفیان» است که با یکدیگر شباهت دارند. «رَدْپَساگ» به معنی مراسم جشن‌های گاهنبار (مکنزی، ۱۳۷۹: ۱۲۸) — شش جشن بزرگ سال در کیش زردشتی — است. واژه rad: سرور، پیشوای روحانی (مکنزی، همان: ۱۲۷) از ratav اوستایی: داور (Reichelt, 1968: 265) و پَساگ، تاج گل است فراهم آمده از گل‌ها و اسپرغم و ریاحین که پادشاهان و بزرگان در جشن‌ها و اعیاد و دیگران

.....
1. Rad-passag

در روزهای دامادی و نیز فتح و ظفر بر سر می‌نهادند. (لغت‌نامه ۱۳۷۷ ج ۴ ذیل پساک) «کرتیر»^۱ موبد و داورِ داوران (= قاضی القضاات) قدرتمند دورهٔ ساسانی^۲ در کتیبهٔ کعبهٔ زردشت (kkz) بندهای ۱۵ و ۱۶ می‌گوید که برای دینوران بسیاری «ردپساگ» گرفته و در مجموع در طی یک سال ۶۷۹۸ «ردپساگ» انجام شده است. (عریان، ۱۳۸۲: ۱۹۳) در آیین «خرقه‌دهی» نیز به صوفی «پس از امتحان و احراز قابلیت و اهلیت از طرف مرشد و پیر» خرقه می‌پوشانند. (رجایی، ۱۳۴۰: ۱۲۲) نمونه‌هایی دیگر از این‌گونه در دین‌ها، مذاهب و نحله‌ها موجود است که می‌باید در جای خود بدان‌ها پرداخت.

دیگر آیین‌های شایان تحلیل و ژرف‌کاوی به ذکر فهرست‌وار عبارتند از: تشرّف به «آیین مهر» و درجات هفتگانهٔ آن^۳، تشرّف به مقام پهلوانی، تشرّف در گروه عیاران، تشرّف به خانهٔ خدا و مناسک مربوط، آیین‌های «جانشینی وارث‌بری»^۴ (Succession) و نیز آیین‌ها، مراسم و آداب خجسته کردن خانه، کوچ، رمه‌داری، کشاورزی و برداشت محصول، بافندگی (قالی‌بافی، بافت و ساخت سیاه‌چادر و...) باران‌خواهی و دفع باران، نثار، فدیّه و قربانی، جشن‌های تقویمی، جادو درمانی (پری‌خوانی، زاروباد).

کشف و بازپرداخت اعتقادات و باورهای کهن از درون آیین‌ها یا بازسازی آیین‌ها و مراسم از درون اعتقادات و باورها و همچنین برآوردن و شکل بخشیدن به این دوازده محتوای ادبیات و هنر مردمی (افسانه، شعر، ترانه، موسیقی، مثل‌ها،

..... 1. Kartir

۲. کرتیر در سرکوب ادیان و مذاهب دیگر می‌کوشید تا حکومتی یکدست بر آیین خویش بنیاد نهد.
۳. درجات هفتگانهٔ مهر: کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید و پیر. (نگاه‌کننده به وزم‌ازرن، ۱۳۷۲: ۱۶۷ به بعد)

۴. ترتیب و تسلسلی که شخصی بعد از دیگری قدرت، مقام و جایگاه او را به ارث می‌گیرد. (The American Heritage, 1992: 1793) مردم‌شناسان فرانسوی و انگلیسی بین جانشینی و میراث (heritage) تفاوت معنایی قایل‌اند. (پانوف - پرن، ۱۳۸۲: ۲۷۴-۲۷۵)

چیستان‌ها و...) کاری است بسیار دشوار، پیچیده و پُرابهام. تکه‌های شکسته و پراکنده یک ظرف باستانی را می‌توان با تلاش و دقت به هم فرآورد و شکل اصلی آن را بازیافت؛ اما باز نمود پاره‌های گسیخته باورهای روزگاران دور در قالب پیکری واحد، توان فرسا و بسا محال است. از این روست که پژوهشگران در کندوکاوهای از این گونه به نگاه و نظراتی یکسان دست نمی‌یابند.

نگارنده در تألیف این دفتر، کتاب‌ها و پژوهش‌های میدانی بسیاری را کاوید، اما فقط از همین منابع مندرج در کتاب‌نامه بهره یافت و مطالعه و بررسی بقیه مآخذ به انگیزه جست‌وجوی بیشتر در این راه، انجام گرفت. امید که با رهنمود استادان و پژوهشگران ژرف‌بین و خوانندگان دانشور، کاستی‌های کار در چاپ‌های بعدی مرتفع شود.

لازم به ذکر است که به منظور یکدستی و هماهنگی متن کتاب اکثر مطالب برگرفته از مآخذ، تلخیص، پرداخت و بازنویسی شده‌اند.

در این پژوهش از عنایت ویژه چند تن از دوستان فرهیخته و پژوهشگر برخوردار بوده‌ام؛ بدین وسیله مراتب سپاسگزاری عمیق خود را به حضور ایشان تقدیم می‌نمایم: زنده‌یاد منصور کیایی، دوست نازنین و مشفق سفرکرده، که همواره پاسخگوی من بر مبنای اطلاعات موثق و کتابخانه ارزشمند خود بودند.

آقای طاهر طاهری، دوست و پژوهشگر ارجمند، که پیوسته پرسش‌های مکرر و ملال‌آور من را تحمل کردند و با دقت و شکیبایی پاسخ گفتند.

آقای علیرضا فرزین، پژوهشگر ارجمند لرستانی، که اجازه دادند از عکس‌های کتاب ارزنده ایشان موسوم به گورنگاره‌های لرستان استفاده کنم.

در پایان از نشر ارجمند «هنوز» بسیار سپاسگزارم که مشفقانه و با دقت نظر امکان چاپ و انتشار کتاب را فراهم فرمودند.

مُحمّد اسدیان

دیباچه

«گذار» بایسته «هستی هدفمند» است. زمان وزمانندی جایگاه، موقعیت و لزوم هر پدیده را مشخص و برآورد می‌کند و هر پدیده تبعات و عوارضی دارد که می‌باید در زمان و موقعیت خاص با تمهیدی ویژه با آن روبه‌روشد و یا با پیش‌نگری، دژآهنگی و بدکنشی را که در کمین است از میان برداشت.

«بودن» و «هستی» را آدمی از دیرباز خجسته و نیک اما در تضاد و تعارض با گوهر شریافته است. در معتقدات زردشتی، اورمزد جهان را به انگیزه فرمانروایی نیکی و بهی آفریده است و هم از این روی جلوه‌های او یعنی امشاسپندان نخستین آفریده‌هایند. او، دیگر پدیده‌های مینوی و گیتیانه را مرحله‌به‌مرحله می‌آفریند و در این آفرینش هدفمند و پیش‌آگاه بر آن است تا بر اهریمن و موجودات و نمودهای اهریمنی به یاری همه آفریدگان خود و بیش از همه «انسان» ظفر یابد. اورمزد به اندیشه پیروزی راسخ بر اهریمن، زمان را کرانمند می‌خواهد تا با خویشکاری اورمزدیان و «آفرین»‌های توان‌بخش، سرانجام ریمنی و پلشتی از میان برخیزد.

انسان درآمدن به گیتی را در راه نبرد با اهریمن و نیز رستگاری و انوشکی به فرجام پذیرا می‌شود: «هرمزد... بابوی (= آگاهی) و فروهر مردمان سگالش کرد و خرد

همه آگاه را به مردمان فراز بُرد و گفت که: کدام یک شما را سودمندتر در نظر آید؟ اگر شما را به صورت مادی بیافرینم و به تن با دروج بکشید و دروج را نابود کنید و شما را به فرجام درست و انوشه باز آریم و باز شما را به گیتی آفرینم، جاودانه بی مرگ، بی پیری و بی دشمنی باشید؛ یا شما را جاودانه پاسداری [بر ضد] اهریمن باید کرد؟ ایشان بدان خرد همه آگاه [آن] بدی را [که] از اهریمن دروج بر فروهرهای مردمان دو جهان رسد، دیدند و رهایی و اُپسین از دشمنی اهریمنی و به تن پُسن، جاودانه درست و انوشه باز بودن را [دیدند] و برای رفتن [به جهان همدستان] شدند. «(بهار، ۱۳۷۵: ۷۴) هم از این روست که «کیومرث» نمونه انسان کامل و مردِ اَهْلَو' (= مرد پرهیزگار) پیش از درآمدن به گیتی، پذیرای رنج در راه هدفی سترگ چنین می گوید:

1. rasēm ud padīrēm hunsand hem:.

2. rasēm ō gēfīg padīrēm pad anāgīh hunsand hem pad margīh:¹

۱- رَسَم و پذیرم، خرسندم.

۲- رَسَم به گیتی، پذیرم به رنج و درد، خرسندم به مرگ و نیستی. (عقیفی، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

در دین های اسلام و یهود نیز، آفرینش جهان زمانمند و از مرحله ای به مرحله دیگر است؛ چنان که خداوند جهان و انسان را در شش روز می آفریند. (قرآن کریم، سوره ق، آیه ۳۸ / کتاب مقدس، سفر آفرینش، باب اول، آیات ۱-۳۱) این چنین تثبیت زمانمندی در آفرینش و از مرحله ای به مرحله ای درآمدن،

.....
1. ahlav

۲. با توجه به متن که در زیر می آید، ترجمه دکتر رحیم عقیفی را با اندکی تغییر آورده ام:

۱- رَسَم و پذیرم، خرسندم.

۲- رَسَم به گیتی، پذیرم به رنج و درد، خرسندم به مرگ و نیستی. (عقیفی، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

۳. وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَبَيْنَهُمَا فِی سِتَّةِ آیَامٍ...؟

۴. در ابتدا خدا آسمان ها و زمین را آفرید... روزی اول... ۳۱ و خدا هر چه ساخته بود، دید همانا نیکو بود و شام بود و صبح بود روز ششم.

مینوی یا گیتیانه، آیین‌های نمادین پدید آوژد که بدایت و نهایت یا آغاز و فرجام هستی را دربر گرفت. آدمی که جهان را زمانمند و هدفدار یافته بود، در مراحل گونه‌گون حیات خویش به سلوک و آدابی آیینی هماهنگ با ساخت زیست، جامعه و فرهنگ خود دست یازید و دوره‌های زندگانی (تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ) را از یکدیگر متمایز دانست؛ زیرا هریک از آن‌ها، در عرصه حیات اجتماعی او دارای شاخصه و کارکردی متفاوت بود. اما این رفتارهای آیینی، در گذر زمان دگرگون می‌شوند یا به‌کلی از میان می‌روند و یا با آیین‌های دیگر می‌آمیزند و شکل و جلوه‌ای دیگر می‌یابند.

در قصه‌های عامیانه، بسیار شنیده و خوانده‌ایم که قهرمان قصه، در پی هدف خود می‌باید از مراحل دشوار و خطرناک بگذرد تا به مقصود خویش دست یابد. گذار اواز هر مرحله در اودگرگونی پدید می‌آورد و سرانجام در پایان قصه، اودیگر همان نیست که در آغاز راه بوده، اینک قهرمانی پیروزمند در رده ردان است.

هر موجودی را آغازی است و در راه خود گذرگاه‌هایی را پشت سر می‌نهد و فرجام می‌یابد. فرجام این گذرهای حیات، خود آغازی دیگر است و مرگ نه نیستی که هستی دیگری است که به نوبه خود مرحله‌ها دارد:

در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است تا نگوئی که چو عمرم به سر آمد رستم
(دیوان حافظ، ۱۳۷۱: ۲۴۳)

و مولوی می‌گوید:

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد گمان مبر که مراد درد این جهان باشد...
فروشدن چو بدیدی، برآمدن بنگر غروب شمس و قمر را چرا زیان باشد...
کدام دانه فرورفت در زمین که نرست چرا به دانه انسانیت این گمان باشد...
(کلیات شمس، ۱۳۸۶: ۲۶۷-۲۶۸)

میرچا الیاده بر آن است که: «شعایر و نمادهای گذار، بیانگر دیدگاه خاصی

به هستی بشری هستند. هنگامی که انسان پا به عرصه هستی می‌گذارد، هنوز کامل نیست... حیات و هستی انسان با اجرای رشته‌ای شعائر گذار و از راه آیین‌های تشرف متوالی به کمال دست می‌یابد.» (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۶۸)

تبیین و شرح و بسط پدیده‌های اجتماعی-فرهنگی «گذر» یا «گذار» و یا «تشرف» بنا بر رویکردهای محتوایی خاص آن، با اصطلاحاتی مانند «آیین»، «مناسک»، «شعائر»، «مراسم» و نیز «آداب» همراه است. این اصطلاحات در عین ارتباط و مشابهت‌های معنایی، با یکدیگر تفاوت‌های مفهومی و تحلیلی دارند:

در متون ادب فارسی این اصطلاحات در معانی متفاوتی به کار رفته‌اند که ذکر وجوه گوناگون آن‌ها در این جا ضرورتی ندارد. با توجه به موضوع این پژوهش، معانی مرتبط با آن‌ها از این قرار است:

آیین

رَسْم، عرف، روش:

جز این است آیین پیوند و کین جهان را به چشم جوانی مبین
(لغت‌نامه ۱۳۷۷: ج ۱، ذیل آیین / شاهنامه ۱۳۸۷: ج ۱، ۳۴)

«نوشین روان... چون ایوان مداین تمام گشت نوروز کرد و رسم جشن به جا آورد چنانک آیین ایشان بود.»

(لغت‌نامه، همان / نوروزنامه ۱۳۸۵: ۱۱)

دین، مذهب، کیش، سنت:

چه مهتر چه کهتر چو شد جفت جوی سوی دین و آیین نهاده‌ست روی
(لغت‌نامه، همان / شاهنامه، همان: ۱۰۶)

سزا دید سودابه را جفت خویش بیستند عهدی بر آیین خویش
(فرهنگ شاهنامه، ۱۳۹۰: ج ۱، ذیل آیین / لغت‌نامه، همان، ذیل آیین)

قاعده، قانون، نظم، ترتیب:

بکوشید و آیین نیکو نهاد بگسترده بر هرسوی مهروداد
(لغت‌نامه، همان: ذیل آیین / شاهنامه، همان: ج ۲، ۱۲۱۸)

معمول، متداول، مرسوم:

پوشید تن را به چرم پلنگ که جوشن نبود و نه آیین جنگ
(لغت‌نامه، همان: ذیل آیین / شاهنامه، همان: ج ۱، ۱۲)

در فرهنگ جامع زبان فارسی، آیین چنین تعریف شده است: «روش‌ها یا اصولی که در یک موضوع خاص در طول زمان رواج یافته و شخص یا گروهی به آن پایبندند و براساس آن رفتار یا عمل می‌کنند.» (فرهنگ جامع زبان فارسی، ۱۳۹۳: ج ۱، ذیل آیین)

«آیین^۱ به نگاه اندروادگار^۲ «رفتاری رسمی و قاعده‌مند است که از الگوهای تکرارپذیر و ثابت پیروی می‌کند و بیانگر معناها و باورها و ارزش‌های جمعی است. معنای اولیه این مفهوم نشانگر آن است که آیین با امور مقدس و جهان‌های ماورای طبیعی و جادویی ارتباط‌هایی دارد. دورکم^۳ معتقد بود که تمایز میان امر قدسی و امر دنیوی در نسبت با آیین موضوعی بنیادین به شمار می‌آید، و آیین متضمن گذر از میان این دو است. به دیده دورکم، امر قدسی نمود اجتماعی است که افراد در آن زندگی می‌کنند. پس، آیین به ادغام تنگاتنگ فرد در کلیت اجتماع کمک می‌کند...» (ادگار، سجویک^۴، ۱۳۸۷: ۳۲)

مناسک

مناسک [م س] جمع منسک یا منسک به معنی جاهای عبادت حاجیان...

1. ritual
3. Emile Durkheim

2. Andrew Edgar
4. Peter Sedgwick

به مجاز ذکر محل و اراده حال و اعمال و افعال حج.... (لغت‌نامه ۱۳۷۷: ج ۱۴، ذیل مناسک) منسک [مَس/س] در حالت اسمی به معنای قربانگاه است؛ آن‌جا که قربان کنند در حج... طاعتگاه... عبادتگاه... روش عبادت... و ذات عبادت. (همان: ذیل مُنْكِ) منسک [مَس] در وجه مصدری به این معانی آمده است: عبادت کردن، پرستیدن و پارسا گردیدن... زهد ورزیدن... عبادت کردن و قرآن خواندن، قربانی لوجه‌الله و قربانی کردن. (همان: ذیل مُنْكِ)

کلود ریویر^۱ در توضیح و تعریف منسک^۲ می‌گوید: «... واژه منسک خود ریشه‌ای مذهبی دارد و به مجموعه‌ای از اعمال تکرارپذیر، رمزگذاری شده و اغلب رسمی اطلاق می‌شود که برای دست یافتن به اهدافی مشخص به صورت کلامی یا با حرکات و موقعیت‌های کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد به قدرت عمل موجودات یا نیروی قدسی انجام می‌گیرند، نیروهایی که انسان تلاش می‌کند با آن‌ها وارد رابطه شود.» (ریویر، ۱۳۷۹: ۲۰۳)

شعائر (شعایر)

شعائر (شعایر) جمع شِعاره یعنی نشان‌ها در حج و طاعتی که در آن‌جا کنند. شعائر حج عبارت است از: نشانه‌های آن که خدای به سوی آن خوانده است (مسلمانان را) و به قیام بدان فرمان داده است. و هم: عبادات و قربانی‌ها. علامت‌ها، نشانه‌ها، آداب و رسوم مذهبی یا ملی، شعایر مذهبی؛ مراسم و آیین‌های مذهبی. شعایر ملی: آیین‌ها و رسوم

1. Claude Rivier

2. ritual

ملّی. آداب و عادات که افراد یک ملّت بدان پابندند. (لغت‌نامه، همان: ج ۹، ذیل شعائر و شعایر)

مراسم

مراسم در لغت‌نامه به این معانی آمده است: ... آداب، آیین‌ها... رسم‌ها، عادت‌ها، دستورها، قاعده‌ها، قوانین... (لغت‌نامه، همان: ج ۱۳، ذیل مراسم) مراسم، در نگاهی جمع‌بندی شده بر مبنای معانی و مفاهیم آن، چنین تعریف شده است: «مجموعه کارهای خاصی که بر اساس قانون، سنت یا عرف جامعه برای مناسبت یا هدف خاصی انجام می‌شود.» (فرهنگ فشرده سخن، ۱۳۸۲: ج ۲، ذیل مراسم) نگاهی دیگر بر آن است که: «مراسم یا رسم آیینی را می‌توان احساسات مشترک و نگرش‌هایی تعریف کرد که در موقعیت‌های مناسب و خاص به مرحله عمل درمی‌آیند و سرشتی نمادین دارند.» (گولد - گولد، ۱۳۸۴: ۷۶۷)

آداب

آداب... ج آدب. رسوم: «... نصر احمد سامانی هشت‌ساله بود... که از پدر بماند... آن کودک را بر تخت ملک بنشانند به جای پدر... ملک‌زاده‌ای نیکو برآمد و بر همه آداب سوار شد و بی‌همتا آمد...» (لغت‌نامه، همان: ذیل آداب / تاریخ بیهقی، ج ۱، ۱۳۸۸: ۹۶ - ۹۷)

در فرهنگ فشرده سخن آداب عبارت است از: «قاعده‌ها، روش‌ها، سنت‌ها و رسم‌های رایج در فرهنگ هر جماعت و قومی؛ آداب و رسوم (حقوق) مقرراتی که در عرف و عادت هست ولی در قانون منعکس نشده است.» (فرهنگ فشرده سخن، همان: ج ۲، ذیل آداب)

گُذَر

گذر، در وجه اسمی به معنی راه، گذار... معبر، جاده... و در وجه اسم مصدری به معنای عبور، گذر کردن... چاره، علاج... نجات... (لغت‌نامه، همان: ج ۱۲، ذیل گذر) و نیز مجال و گریز است. (فرهنگ فارسی ۱۳۵۷: ج ۳، ذیل گذار) گذار به عنوان اسم مصدر به معنای عبور، مرور، گذشتن، معبر، گذرگاه، تجاوز کردن و سرپیچیدن... آمده است. (لغت‌نامه، همان: ج ۱۲، ذیل گذار)

تَشَرَّف

تَشَرَّف از ماده شرف به معنی بزرگی، سرفرازی و افتخار یافتن است. (الصحاح، ذیل شرف و تشرف ۱۳۶۸: ج ۳، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰/ المنجد ۱۳۶۵: ۳۸۳ ذیل شرف و تشرف) و نیز: شرف جستن، بزرگ پنداشتن و بزرگ منش گردیدن... دارای شرف شدن خانه. شرف یافتن کسی از غیر از خود... شرف دانستن. (لغت‌نامه، همان: ج ۵، ذیل تشرف) و هم: بزرگوار شدن، بزرگی یافتن، بزرگی جستن، شرفیابی. (فرهنگ فارسی، همان: ج ۱، ذیل تَشَرَّف) و در اصطلاح، مُشَرَّف شدن و تَشَرَّف یافتن به خانه خدا.

در ترجمه متون علوم اجتماعی و فرهنگ‌ها در برابر اصطلاح initiation براساس معنی و مفهوم این واژه و دریافت تعاریف آن، اصطلاحات پاگشایی، مناسک پاگشایی (بیرو، ۱۳۶۶: ۱۷۸، ۱۷۹)، رازآموزی، رازآگاهی، گذرایینی (پانوف - پرن ۱۳۸۲: ۱۶۲ - ۱۶۳)، نوجه‌پذیری، نوآموزی (آشوری ۱۳۷۴: ۱۸۱)، تشرف (گولد - کولب، ۱۳۸۴: ۲۳۶) آیین تشرف (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹ / همو، ۱۳۹۲: ۱۶، ۴۴، ۱۸۲، ۲۱۷) ارائه شده است.

واژه initiation همانند initium لاتین بر آغازی جدید دلالت می‌کند. از طریق

آیین گذار^۱ یا انتقال^۲ فرد از یک پایگاه اجتماعی یا دینی جدا می‌شود و به پایگاهی دیگر می‌پیوندد. در نگرش دینی ممکن است آیین تشرف^۳ رویه‌رو شدن با امر مقدس تلقی شود. هم از این رو [مرحله] انتقال، گذاری بنیادین است پیش روی نووارد^۴ که [او] نه تنها به لحاظ اجتماعی بلکه از نظر وجودی و معنوی نیز تغییر می‌کند و از [مرحله] گذار، عبور می‌کند. این دگرگونی همه‌سویه تقریباً در همه جا به واسطه تصاویر مرگ و باززایی نمادین صورت می‌پذیرد. شخص، صرفاً تغییر نمی‌یابد، بلکه از نو آفریده می‌شود. (Eliade, 1987: 229/7)

وان ژنپ^۵ در واقع نشان داد که در جوامع ابتدایی هر تغییری که به عنوان گذاری از یک پایگاه به پایگاه دیگر محسوب می‌شد آیین مند بود: تغییرات حالات ماه یا فصول، همچنین تغییرات وضعیت اجتماعی اشخاص، جابه‌جایی از یک جامعه به دهکده‌ای جدید، ورود زن و شوهری به خانه‌ای تازه، یا حتی ورود به هر خانه یا خروج از آن، آیینی بود. وی یادآور می‌شود که مثلاً در سنن عرب پیش از اسلام... هر کسی که به خانه‌ای وارد می‌شد و یا آن را ترک می‌گفت، شمایل خدای خانواده را لمس می‌کرد و از در می‌گذشت. (Mair, 1975: 233, 234)

در روند هر یک از این دگرگونی‌های زندگی (تولد، بلوغ، ازدواج، تغییر پایگاه اجتماعی و مرگ) انسان سه مرحله پیش‌رودارد: جدایی^۶، انتقال^۷ و پیوستن^۸. شخص، ابتدا از جامعه جدا یا طرد می‌شود. پس از این از وضعیت پیشین خود می‌گذرد و سپس در وضعیت و جایگاهی جدید به جامعه می‌پیوندد. (عسکری

.....
1. Rite of passage

2. Transition

3. initiation

4. Initiand

5. Van Gennep

6. separation

7. Transition

8. incorporation

خانقاه، کمالی، ۱۳۷۸: ۴۸۴) تمامی این چنین تغییراتی را می‌توان به «خروج»^۱ و «ورود»^۲ تعبیر کرد و نه فقط «گذار»^۳ بلکه واقعاً از مراحل گذشتن. (Mair, Ibid: 234)

مرحله گذار، زمانی است که شخص مناسک مربوط را از سر گذرانده و یک پایگاه را پشت سر نهاده، اما هنوز به پایگاه دیگر راه نیافته است. وان ژنپ مراسم این مرحله را حاشیه‌ای^۴ و در اصطلاح فرانسوی آستانه^۵ می‌نامد که به مفهوم استعاری خانه است. وی به واقع کسی را بر پله درگاه تصور می‌کند، نه داخل و نه بیرون. پس از این مراسم [مرحله] پیوستن است که در آن پایگاه اجتماعی رسماً تثبیت یا به بیان دقیق‌تر می‌باید گفت شخص آفریده می‌شود. (Ibid, 234)

ویکتور ترنر^۶، انسان‌شناس اجتماعی، به «شخصیت آستانه‌ای»^۷ به عنوان کسی که نه این است و نه آن و نه این جاست و نه آن‌جا، بلکه بیشتر بیناین است، توجه ویژه‌ای دارد. ... شخصیت آستانه‌ای از بسیاری جهات «نامری» است، و رای هنجارها ورده‌های اجتماعی زنده است. تابوهای سنتی و احکام اخلاقی شامل او نمی‌شود. شخصیت‌های آستانه‌ای مقدس و حتی خطرناک‌اند. از این رو غالباً ضرورت دارد پیش از بازگشت به اجتماع تطهیر شوند. (Eliade, 1987: 230/7)

الباده، آستانه را کرانه، مرز و حد فاصلی می‌داند که دو جهان عرفی و قدسی را از یکدیگر جدا و متمایز می‌کند و در مقابل هم قرار می‌دهد. در عین حال مکان متناقض‌نمایی می‌شمارد که این دو جهان در آن تلاقی می‌کنند و گذار از جهان عرفی به جهان قدسی امکان‌پذیر می‌شود. همچنین وی بر آن است که آستانه در نه تنها بر مرز میان بیرون و درون تأکید دارد بلکه نشانگر عبور از یک منطقه به

1. Going out
5. Luminaire

2. Coming in
6. Victor Turner

3. Passages
7. Liminal persona

4. marginal

منطقه دیگر و از ساحتی به ساحت دیگر نیز هست. (الیاده، ۱۳۹۰: ۱۹، ۱۶۸) در مرحله آستانگی یا به تعبیر فیلیپ کتاک^۱ «مرحله برزخی... شخص بلا تکلیف می ماند و احساس می کند که حالت و جایگاه پیشین خود را از دست داده است ولی هنوز به مرحله سوم یعنی مرحله تثبیت جایگاه نوین وارد نشده است... آدم های قرار گرفته در این مرحله، جایگاه اجتماعی مبهمی دارند. آن ها از تمایز و چشمداشت های عادی جدا افتاده اند و خارج از آهنگ معمول زندگی رفتار می کنند.» (کتاک، ۱۳۸۶: ۶۵۹، ۶۶۰)

مناسک گذار دسته ای^۲ از آیین ها هستند که گذریک فرد را در چرخه زندگی، به مرور از یک پایگاه به پایگاهی دیگر و از یک نقش یا وضعیت اجتماعی به وضعیتی دیگر [مانند]: تولد، تولید مثل، و مرگ که انسان و تجربیات فرهنگی را با تقدیر زیستی می آمیزند، مشخص می کنند. این آیین ها تمایزهای بنیادینی پدید می آورند که در همه گروه ها، میان جوان و پیر، مرد و زن، زنده و مرده مشاهده می شود. تأثیر متقابل زیست و فرهنگ در کُنه تمامی آیین های گذر وجود دارد و چالش میان این دو قلمرو بر تناقض ماهوی میراث انسانی ما تأکید می کند. به عنوان انسان، ما در جهانی مبهم به سر می بریم، زیرا همان طور که کلود لوی استروس خاطرنشان کرده است ما، هم به طبیعت و هم به فرهنگ تعلق داریم. از راه آیین های گذر است که می توانیم به تنظیم و باز تنظیم وضعیت دوگانه حیوانی و انسانی خود بیندیشیم. (Eliade, 1987: 380/12)

از نگاه الیاده به طور کلی سه دسته یا سه نوع آیین تشرّف وجود دارد. دسته نخست، شامل مجموعه مناسکی است که خویشکاری آن ها موجب گذار از کودکی یا نوجوانی به بزرگسالی می شود و برای همه اعضای یک جامعه خاص

الزامی‌اند. ادبیات قوم‌شناختی این آیین‌ها را «آیین بلوغ»، «تشریف قبیله‌ای» یا «ورود به یک گروه سنی» می‌نامد. دودسته دیگر تشریف با آیین‌های بلوغ تفاوت دارند، از این‌رو برای همه اعضای اجتماع اجباری نیستند؛ در واقع، بیشتر آن‌ها انفرادی یا برای گروه‌های نسبتاً کوچک انجام می‌شوند. دومین دسته عبارتند از: همه انواع آیین‌های ورود به انجمن سرّی، یک «بانده»، یا «انجمن اخوت». این انجمن‌های بسته، به یک جنسیت محدود می‌شوند و سخت در حفظ اسرار خود می‌کوشند و بیشتر مردانه‌اند؛ اما انجمن‌های زنانه نیز وجود دارند. سومین گروه آیین‌های تشریفی است که مربوط به پیشه‌رازان می‌باشد.^۲ در سطح دین‌های کهن، این پیشه‌رازان جادوپزشک^۳ یا شمن^۴ است. ویژگی دقیق دسته سوم در اهمیت و ارزش تجربه شخصی است. (Eliade, 225/7)

آیین‌ها و مناسک گذر هر چند در گذر زمان در پاره‌ای از جوامع سنتی رنگ باخته و در جوامع مدرن به درون لایه‌های رفتاری خزیده‌اند، اما هنوز در حیات اجتماعی-فرهنگی انسان در هر جای جهان به اقتضای محیط خاص خود حضوری پنهان و آشکار دارند. نمود این آیین‌ها و مراسم هنوز هم در جوامع سنتی چشمگیر و ملموس است.

هر یک از تحولات زیستی، اجتماعی و فرهنگی از جمله بارداری و زایمان، تولد، کودکی، بلوغ، ازدواج و مرگ و آیین‌ها و مراسم و مناسک دیگر در جوامع شهری، روستایی و ایلی ایران دارای مراحل هستند که زمینه جدایی^۵، انتقال^۶ و پیوستن^۷ یا الحاق را فراهم می‌کنند. ما در فصل‌ها و بخش‌های دیگر این دفتر با استناد به مآخذ و مدارک معتناهایی که یافته و پژوهیده‌ایم، به شرح و توصیف و با قید احتیاط به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم.

1. Bund
5. separation

2. Mystical vocation
6. Transition

3. Medicine man
7. incorporation

4. Shaman